

متنوع کرده است. در سال ۲۰۲۵، روسیه روابط خود را با کشورهای خلیج فارس تقویت کرد؛ روندی که قرار است ادامه یابد. سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک پلاس) به روسیه دسترسی به بازار، اهرم سیاسی و راهی برای کاهش تحریم‌های غرب ارائه می‌دهد. بنابراین، در سال گذشته، روابط عربستان و روسیه در حوزه‌های انرژی، آزادسازی ویرا و تعامل دیپلماتیک سطح بالا و همچنین افزایش و تنوع تجارت (با تمرکز بر فناوری و معدن) گسترش یافت. امارات متحده عربی نیز به‌طور مشابه همکاری اقتصادی و فنی با کرملین را گسترش داد و نشان داد که دسترسی روسیه به خلیج فارس در سال ۲۰۲۶ بدون وقفه ادامه خواهد یافت. روسیه همچنین به شرق لبی‌ روی آورد و حضور نظامی خود را با خلیفه حفر، فرمانده ارتش ملی لبی، تقویت کرد. این امر یک دستاورد استراتژیک بزرگ را به همراه داشت: نفوذ بر کریدورهای تجاری مدیترانه و اعمال نفوذ بر اروپا و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) از طریق فشار بالقوه بر جریان‌های انرژی و مسیرهای مهاجرت - ابزارهایی که مسکو از نظر تاریخی به عنوان سلاح از آنها استفاده کرده است. این پایگاه‌ها، برنامه‌ریزی غرب را در سال ۲۰۲۶ پیچیده خواهد کرد.

در نهایت، لبی به‌سکوی پرتابی برای اعمال قدرت روسیه در آفریقا تبدیل شده است. در دسامبر ۲۰۲۵، طبق گزارش‌ها، دولت نظامی سودان اولین پایگاه دریایی خود در دریای سرخ را در ازای دریافت سلاح و پوشش دیپلماتیک به روسیه پیشنهاد داد. در سال ۲۰۲۶، این امر می‌تواند هزینه‌های قابل توجهی را بر ایالات متحده تحمیل کند، که به دنبال جلوگیری از کنترل روسیه و چین بر بنادر افریقایی است که می‌توانند از تجدید تسلیحات پشتیبانی کرده و خطوط دریایی حیاتی را تهدید کنند.

آینده نامعلوم سوریه

چارلز لیستر



با ورود دولت ترامپ به سال ۲۰۲۶، به نظر می‌رسد حمایتش از گذار شکننده سوریه ادامه خواهد یافت. از زمان دیدار دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با احمد الشرع، رئیس‌جمهور موقت سوریه، در عربستان سعودی در ماه مه، ایالات متحده تحریم‌ها را با سرعت بی‌سابقه‌ای لغو کرده است: غول‌های انرژی مانند شورون، کونوکوفیلیس و هانیول آماده سرمایه‌گذاری‌های کلان در سوریه هستند. الشرع در ماه سپتامبر در مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی کرد و در ماه نوامبر از کاخ سفید بازدید کرد. در پایان سال، قانون سزار - که در ابتدا در سال ۲۰۱۹ برای مجازات حکومت بشار اسد به دلیل نقض حقوق بشر تصویب شد - پس از مداخله شخصی رئیس‌جمهور برای جلب حمایت بریان مست، رئیس کمیته امور خارجی مجلس، توسط کنگره لغوشد. در همین حال، روابط نظامی و اطلاعاتی ایالات متحده با دولت جدید سوریه به سرعت در حال رشد است و از بهار تاکنون بیش از دوازده عملیات مشترک علیه داعش و بقایای زیرساخت‌های گروه‌های نزدیک به ایران در سوریه انجام شده است. در حالی که انتظار می‌رود حمایت ایالات متحده از سوریه در سال آینده ادامه یابد، فوریت مجدد برای دستیابی به پیشرفت در مهم‌ترین چالش‌های ژئوپلیتیکی سوریه ضروری خواهد بود:

موضع خصمانه اسرائیل در قبال گذار سوریه باعث شده است که تل آویو بیش از ۳۵۰ کیلومتر مربع از خاک سوریه را به زور اشغال کند، بیش از ۱۰۰۰ حمله هوایی و توپخانه‌ای انجام دهد و نزدیک به ۷۰۰ حمله زمینی به سوریه در طول سال گذشته انجام دهد. اگر چه دمشق هرگز واکنش نظامی نشان نداده و در مذاکرات مستقیم با میانجیگری ایالات متحده با اسرائیل شرکت کرده است، اما اقدامات نظامی اسرائیل تا نوامبر و دسامبر ۲۰۲۵ به شدت افزایش یافته است. وضعیت موجود ناپایدار است و اگر حل نشود، درگیری جدی تقریباً اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد؛ چشم‌اندازی که می‌تواند گذار سوریه را به طور کلی تهدید کند.

اگر سوریه می‌خواهد از یک درگیری داخلی بزرگ جلوگیری کند، نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) باید به عنوان یک امر فوری منحل و در دولت سوریه ادغام شوند. با وجود امضای یک توافقنامه چارچوب با میانجیگری ایالات متحده در ۱۰ مارس، هیچ گام اساسی برای شروع ادغام SDF برداشته نشده است. در حالی که ارتش و دولت ایالات متحده بارها اعلام کرده‌اند که اولویت آنها اکنون دمشق است و دولت سوریه اکنون به ائتلاف جهانی برای شکست داعش پیوسته است، نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) هیچ اقدامی نکرده‌اند. صدها مرد عرب به دلیل اعلام حمایت خود از دمشق توسط نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) بازداشت شده‌اند. نیروهای دموکراتیک سوریه هرگونه جشن روز آزادی را به مناسبت سقوط رژیم اسد در ۸ دسامبر ممنوع کردند و ساخت تونل‌های نظامی گسترده در سراسر مناطق شهری نیروهای دموکراتیک سوریه ادامه داد. صبر در دمشق و در ترکیه همسایه، روبه‌پایان است.

استان سویدا با اکثریت دروزی باید کانال‌های گفت‌وگو با دمشق را باز کند تا فضایی برای نقشه راه میانجیگری شده توسط ایالات متحده وارن برای کاهش تنش‌ها و ادغام مجدد منطقه در بقیه سوریه فراهم شود. از آنجایی که خشونت دروزی‌های بادیه‌نشین باعث مداخله دولت، مداخله متقابل اسرائیل و موجی از جنایات در ماه ژوئیه شد، مقامات در سویدا قدرت خود را تثبیت کرده‌اند؛ از هرگونه تماس با دولت سوریه امتناع می‌کنند، از خروج ساکنان جلوگیری می‌کنند و علناً خواستار جدایی هستند. قاچاق مواد مخدر به اردن بیش از ۴۰۰ درصد افزایش یافته و تنش‌های درونی دروزی‌ها، دستگیریه‌های خودسرانه و مرگ بر اثر شکنجه آغاز شده است. حاکمان جدید سویدا آشکارا خود را با اسرائیل مرتبط می‌دانند و رژه‌های هفتگی را در کنار بن‌رهایی با پرچم اسرائیل و چهره نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو برگزار می‌کنند. پرونده سویدا تا زمانی که خصومت اسرائیل با دمشق حل و فصل نشود، حل نخواهد شد.

ترجمه: آریا صیدقی

و بازگشت و ورود کمک‌ها از مصر به غزه. تردد یک طرفه، جابه‌جایی قومی اجباری است و این خط قرمز برای مصر است.» این خط قرمز توسط چیزی بیش از سیاست صرف دولتی اعمال می‌شود. افکار عمومی در مصر به شدت با وضعیت اسفناک فلسطینیان همدردی می‌کند و دولت مصر به خوبی از خطرات سرکوب مداوم احساساتی که سنجش دقیق آنها دشوار و کنترل آنها حتی دشوارتر است، آگاه است. این کشور در حال حاضر با نارضایتی عمومی ناشی از تخلفات ادعایی در انتخابات پارلمانی اخیر دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ که باعث شد رئیس‌جمهور عبدالفتاح السیسی بیانه عمومی بی‌سابقه‌ای در مورد تخلفات صادر کند. درگیری در مرز با سودان یکی دیگر از نقاط بالقوه درگیری است. از زمان آغاز بدترین خشونت‌ها در آوریل ۲۰۲۳، طبق گزارش کمیسیون اروپا، تقریباً ۱/۵ میلیون پناهنده سودانی تا نوامبر ۲۰۲۵ به مصر گریخته‌اند و این کشور را به بزرگترین کشور میزبان سودانی‌هایی که از درگیری فرار می‌کنند، تبدیل کرده است. دولت مصر تخمین می‌زند که، این کشور میزبان ۸ تا ۹ میلیون پناهنده بوده است که ۶۰ درصد آنها به مدت یک دهه در این کشور بوده‌اند. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR) در حال کاهش بودجه خود برای پناهندگان در این کشور است که اوضاع را برای اقتصاد مصر پیچیده‌تر می‌کند. یکی از محکم‌ترین ستون‌های اقتصاد مصر از قبل تحت فشار قرار گرفته بود - بانک مرکزی مصر (CBE) در گزارش تراز پرداخت‌های خود اعلام کرد که از ماه اکتبر، حملات حوثی‌های یمن به ترافیک دریایی در دریای سرخ، ظاهراً علیه اسرائیل در حمایت از فلسطینی‌ها، درآمد کانال سوئز را در سال مالی ۲۰۲۴/۲۰۲۵ با ۲۰۵/۵۵ درصد کاهش به ۲/۶ میلیارد دلار رسانده است، در حالی که این رقم در سال قبل ۶/۶ میلیارد دلار بود. با این حال، اخبار خوبی در جبهه اقتصادی مصر وجود داشته است. آخرین بررسی صندوق بین‌المللی پول، ضمن ابراز نگرانی از سرعت گند خصوصی‌سازی، تحسین قابل توجهی را ارائه داد. دولت ثبات اقتصاد کلان را بهبود بخشیده، هزینه‌ها کاهش یافته و تورم و بالاترین سطح ۳۸ درصد در سپتامبر ۲۰۲۳ به پایین‌ترین سطح ۱۲/۱ درصد در ماه اکتبر رسیده است. ثبات مصر برای ثبات کل منطقه ضروری است. در حالی که بهبود قابل توجه اقتصاد برای هماهنگی داخلی حیاتی است، فشارهای خارجی اغلب خارج از کنترل دولت هستند. مصر در آینده‌ای قابل پیش‌بینی باید به مهار آتش در جبهه‌های مختلف ادامه دهد. از منظر اقتصاد کلان، سال جدید آژمونی خواهد بود که نشان خواهد داد چگونه مدیریت اقتصادی دولت از گزینه‌های مدیریت تورم و نرخ بهره به سمت یکی از این گزینه‌ها حرکت می‌کند: چگونه دولت‌ها سرمایه‌گذاری داخلی و سیاست‌های حمایتی را برای پرورش بخش‌های کلیدی جدید، برآورده کردن نیازهای امنیت انرژی و گسترش دسترسی و تسلط بر فناوری تحرک می‌کنند. از جمله در خاور میانه، سیاست اقتصادی دولت به سمت سرمایه‌گذاری در بخش‌های نوپا حرکت خواهد کرد و سعی خواهد کرد در برابر بادهای مخالف جهانی سیاست‌های صنعتی ملی گرایانه، تکنو-تاسیونالیسم و مناقشات منطقه‌ای در حال جوش و خروش، عایق‌بندی شود.

تلاش روسیه برای ماندن در خاور میانه

ایلیا ساسینا جوجا



نفوذ روسیه در خاور میانه محدود شده است، اما مسکو این عقب‌نشینی‌ها را موقتی می‌داند. در حالی که اقدامات ایالات متحده، روسیه را در سراسر منطقه به حاشیه رانده است، کرملین در حال انجام یک بازی طولانی است. یک توافق صلح در اوکراین که توسط واشنگتن تسهیل می‌شود، می‌تواند اشتها و جاه‌طلبی‌های مسکو را احیا کند. در همین حال، روسیه در حال انجام قمارهای کوچک‌تر و هدفمندتر در سراسر خاور میانه و آفریقا است. روند شکست روسیه با فروپاشی حکومت بشار اسد در سوریه در اواخر سال ۲۰۲۴ آغاز شد. سوریه یک کشور کلیدی برای مسکو و نزدیکترین شریک خاور میانه‌ای اش، تهران بود. با وجود این ضربه استراتژیک، مسکو دارایی‌های کلیدی خود را نجات داد: اسد تحت حمایت روسیه قرار دارد و تا اواخر سال ۲۰۲۵ روسیه عملیات خود را با پایگاه‌های طرطوس و حمیمیم از سر گرفت. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در ماه اکتبر از احمد الشرع، رئیس‌جمهور جدید سوریه، در مسکو استقبال کرد و الشرع علاقه خود را به همکاری مجدد با روسیه ابراز کرده است. در سال ۲۰۲۶، روسیه احتمالاً پروژه‌های اقتصادی، انرژی و بازسازی را برای تثبیت مجدد خود در سوریه دنبال خواهد کرد. شکست بزرگ‌تر منطقه‌ای مسکو از طریق آسیب‌های ایران در برابر اسرائیل و ایالات متحده در طول جنگ ۱۲ روزه ژوئن حاصل شد. انهدام ظاهراً بی‌درسر سامانه‌های پدافند هوایی S-۳۰۰ ایران که از روسیه خریداری شده بود، تقریباً به طور قطع به فروش تسلیحات روسیه در سال ۲۰۲۶ ضربه خواهد زد. با این حال، انتقاد از اینکه مسکو در طول این درگیری از نظر نظامی به تهران کمک نکرده است، درک نادرستی از رابطه دو طرف به دست می‌دهد: این دو قدرت اتحادی با بن‌دفاعی مشترک ندارند، بلکه یک مشارکت استراتژیک روبه گسترش دارند که در سال ۲۰۲۵ رسمیت یافت و شامل دفاع، انرژی، امور مالی و فرار از تحریم‌ها می‌شود. به‌طور کلی، روسیه - به همراه چین - پوشش سیاسی به ایران ارائه می‌دهد و به این کشور اجازه می‌دهد تا در مواجهه با فشار غرب، سرسختی نشان دهد و از انرژی بین‌المللی بگریزد. با این حال، با گذشت زمان، این رابطه همچنین مسکو را به پهمپداها و موشک‌های ایرانی برای استفاده در جنگ اوکراین وابسته‌تر کرده است. بنابراین، روسیه، با توجه به نیازهای خود در زمان جنگ، احتمالاً در سال ۲۰۲۶ همکاری خود را با ایران و نیروهای مسلح متحدش در منطقه - «محور مقاومت» - تعمیق خواهد بخشید. طبق گزارش‌ها، روسیه در سال‌های اخیر به حماس در غزه و حزب‌الله در لبنان سلاح رسانده و همچنین با حوثی‌ها در یمن که خسارات قابل توجهی به منافع دریایی ایالات متحده و متحدانش وارد کرده‌اند، اطلاعات به اشتراک گذاشته است. مسکو در مواجهه با واکنش منفی ایالات متحده، رویکرد منطقه‌ای خود را

اختلافات میان آمریکا و اسرائیل

ناتان ساکس



سال ۲۰۲۵ تمام شد و ایالات متحده همچنان در چندین پرونده سیاسی مربوط به اسرائیل فعال است. در مرکز این پرونده‌ها، وظیفه عظیم ثبات و بازسازی در غزه و همچنین، بر روی کاغذ، از رده خارج کردن سلاح‌های حماس قرار دارد. این امر با عزم ایالات متحده برای ارتقای وضعیت سوریه و تثبیت دولت این کشور؛ با تلاش‌های آمریکا برای تشویق دولت لبنان به پیروی از تعهد وظیفه‌حاکمیتی خود برای خلع سلاح حزب‌الله؛ و با تمایل واشنگتن برای «بناپودشدن» برنامه هسته‌ای ایران همراه است.

همکاری اسرائیل در مورد این مسائل برای هر یک از اهداف دونالد ترامپ مهم است و خود اسرائیل نیز منافع استراتژیکی در پیشرفت همه این جبهه‌ها دارد. به‌ویژه در غزه، پیششرد جدی بازسازی، هم یک ضرورت اخلاقی و هم یک ضرورت استراتژیک است. با این حال، اسرائیل که در مقایسه با آمریکا هزاران مایل به این عرصه‌ها نزدیک‌تر است، ریسک و مزایای ثبات را متفاوت از ایالات متحده ارزیابی می‌کند. دولت ترامپ امیدوار است با وجود موانع متعدد در این مسیر، به جلو حرکت کند: حماس از تحویل سلاح‌هایی که به آن اجازه می‌دهد بر جمعیت غزه کنترل داشته باشد، امتناع می‌کند؛ حزب‌الله از تسلیم سلاح‌های خود در اکثر خاک لبنان امتناع می‌کند؛ و ایران برنامه گسترده موشک‌های بالستیک خود را بازسازی می‌کند. از سوی دیگر، اسرائیل این موارد را نه به عنوان جزئیات، بلکه به عنوان تهدیدات استراتژیک اصلی می‌بیند. تمایل اسرائیل برای ایجاد ثبات منوط به این است که پوششی برای بازسازی «حلقه آتش» که اسرائیل را احاطه کرده بود اما در جنگ طولانی ۲۰۲۵-۲۰۲۳ به شدت تضعیف شد، فراهم نکند. اسرائیل اکنون در حال خروج از آسیب ۷ اکتبر ۲۰۲۳ است. خودکامی پرامون شکست تاریخی آن روز، تا حدودی به این باور منجر شده است که اسرائیل هرگز نباید اجازه دهد تهدیدها دوباره در مرزهایش ریشه بدهند. تمایل اسرائیل به اینکه حماس را قبل از ۷ اکتبر به عنوان یک گروه مهار شده و متمرکز بر توسعه نوار غزه ببیند، منجر به سوءتعبیر فاجعه‌بار از اطلاعات وارده شد. این شکست، به‌نوبه خود، این اعتقاد را در اسرائیل القا کرده است که صرفاً مهار تهدیدها در هر جبهه‌ای کافی نیست. درس آموخته‌شده بدون فایده نبود، اگر چه درسی است که خطر یادگیری بیش از حد را به همراه دارد. سال آینده، سال تصمیم‌گیری برای اسرائیل، چه در سیاست خارجی و چه در سیاست داخلی، خواهد بود. خوش‌بینی اولیه در مورد تغییر در لبنان و تا حدودی سوریه، رو به وخامت گذاشته است. نیاز به یک دیدگاه استراتژیک، محتاطانه و هوشیارانه اما با آغوش باز برای فرصت‌های تاکتیکی و استراتژیک در صورت بروز، همچنان مهم است. بنابراین، دولت ایالات متحده در تعامل با اسرائیل، در ایجاد تعادل بین تأکید بر اهداف استراتژیک و توجه به ارزیابی‌های معتبر تهدید، عملکرد خوبی خواهد داشت.

درگیری‌های داخلی، مسائل را پیچیده‌تر خواهد کرد؛ سال ۲۰۲۶ سال انتخابات در اسرائیل خواهد بود. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر، به‌طور مداوم در نظرسنجی‌های ملی ضعیف بوده است، اما اپوزیسیون همچنان از اکثریت مطمئن برای یک ائتلاف جایگزین بر خوردار نیست. تا زمان فرارسیدن سال ۲۰۲۷، هر یک از این سه گزینه ممکن است رخ دهد: یک دولت و نخست‌وزیر جدید در اسرائیل، بازگشت نتانیاهو ی پیروز، یا بازگشت به پارلمانی به بن‌بست رسیده و یک بحران سیاسی طولانی‌مدت. همین حالا هم تلاش‌های ائتلاف نتانیاهو برای از بین بردن استقلال قضایی با تمام قوا در حال انجام است و این نشان‌دهنده بازگشت به آشوب داخلی پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ است. این آشفتگی سیاسی تنها سیاست‌گذاری صحیح را در سال آینده دشوارتر خواهد کرد.

احتمال موفقیت مصر در حل بحران‌ها

مریت میروک



مصر که مدت‌هاست با بحران‌های پی‌درپی ناشی از ترکیبی از موقعیت جغرافیایی و سیاست‌های داخلی خود مواجه است، به کشوری تبدیل شده است که به بحران‌های متنوع عادت کرده است. با این حال، امسال، آشفتگی‌ها در جبهه‌های خارجی، داخلی و اقتصادی، حتی برای کشوری که دائماً به حل یک مسئله فوری پس از دیگری عادت دارد، اوضاع را بدتر کرده است. مسائل سیاست خارجی پیچیده‌ترین مسائل بوده‌اند، عمدتاً به دلیل ماهیت تهدیدات سیاست خارجی؛ که همیشه تقصیر خود سیستم نیست، بلکه در نهایت مشکل خود سیستم است. مصر در سه روز خود، غزه، سودان و لبی، درگیر درگیری‌هایی است و تنش‌های شدیدی در آن وجود دارد و درگیری‌های بالقوه‌ای نیز در فاصله دورتری در دریای سرخ و شاخ آفریقا در جریان است. درگیری مداوم در غزه، علت دائمی و فزاینده تنش‌های بین‌المللی و داخلی بوده است و بیش از دو ماه از آتش‌بس ظاهری در غزه، نه به کشتار پایان داده و نه مسیری را به جلو روشن کرده است. ظاهراً از ۹ دسامبر، یک ژنرال آمریکایی برای فرماندهی نیروی جدید تثبیت بین‌المللی در غزه، از اوایل ژانویه ۲۰۲۶، منصوب شده است. این موضوع احتمالاً با این واقعیت که اسرائیل از هیچ‌یک از کشورهای که ظاهراً در این نیرو شرکت دارند، از جمله مصر، تأییدیه‌ای دریافت نکرده، پیچیده‌تر خواهد شد. مقام مصری که به‌طور ناشناس با نویسنده صحبت کرد، خاطرنشان کرد که هیچ دسترسی وجود ندارد؛ او گفت: «هیچ‌کس نمی‌داند قرار است چه کاری انجام دهد و هیچ شرايطی وجود ندارد که مصر وارد درگیری مسلحانه با فلسطینی‌ها شود.» اعلامیه اخیر اسرائیل مبنی بر اینکه گذرگاه مرزی رفح از طرف اسرائیل، فقط در یک جهت، برای خروج فلسطینی‌ها، بدون حق بازگشت، باز خواهد شد، توسط مصر به شدت رد شده است. مقام مذکور گفت: «یک معاهده وجود دارد. حرکت در هر دو جهت، با خروج فلسطینی‌ها از غزه برای مراقبت‌های پزشکی

نگاه خارجی / ۲

دستور کار شلوغ آمریکا و ترکیه



گونول تول

کارشناس خاورمیانه

در اوایل سال ۲۰۲۵، آنکارا سوریه را به عنوان امیدوارکننده‌ترین پرونده سیاست خارجی خود می‌دید. بازگشت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به کاخ سفید و سقوط بشار اسد، این امید را تقویت کرد که یک عرصه طولانی‌مدت پرآشوب سرانجام به عرصه‌ای از فرصت تبدیل شود. مقامات ترکیه انتظار خروج نیروهای آمریکایی، پایان همکاری واشنگتن با نیروهای کرد سوری مرتبط با حزب کارگران کردستان (PKK) و از سرگیری روابط ترکیه و ایالات متحده را داشتند. آنها معتقد بودند که یک دولت دوست در دمشق به عقب‌نشینی خودمختاری کردها، خلع سلاح شبه‌نظامیان و بازگشایی سوریه برای تجارت ترکیه - به‌ویژه بخش ساخت و ساز نزدیک به رئیس‌جمهور رجب طیب اردوغان - کمک خواهد کرد. اما با پایان سال، هیچ یک از این انتظارات محقق نشده است و سوریه را به یکی از حادث‌ترین چالش‌های آنکارا در آستانه سال ۲۰۲۶ تبدیل شده است. خطرات صرفاً افزایش یافته است: اردوغان ابتکار جدیدی را در داخل کشور با عبدالله اوچالان، رهبر زندانی PKK، با هدف انحلال این سازمان آغاز کرده است. موفقیت این روند اکنون به شدت به آنچه در آینده در سوریه اتفاق می‌افتد، بستگی دارد. ترکیه با دو چالش فوری در سوریه روبه‌رو است: مذاکرات متوقف شده بین دمشق و نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) و مذاکرات کند بین سوریه و اسرائیل. برای پیشرفت ابتکار خلع سلاح PKK، دمشق و SDF ابتدا باید توافقی را برای ادغام نیروهای کرد در ارتش سوریه نهایی کنند. اگر چه دو طرف در ۱۰ مارس با حمایت آنکارا به تفاهم رسیدند، هاکان فیدان، وزیر امور خارجه، اخیراً در دوحه علناً هشدار داد که SDF در حال نعلل در اجرای این توافق است و در واقع، این توافق هاله‌ای از ابهام قرار داده است. در واقع، این توافق - که قرار بود واحدهای نظامی SDF و نهادهای غیرنظامی را در دولت سوریه ادغام کند، کنترل بر دارایی‌های کلیدی را یکپارچه کند و حقوق سیاسی کردها را تضمین کند - پیشرفت عملی کمی داشته است. SDF دمشق را به کند کردن روند با مقاومت در برابر میزان خودمختاری محلی مندرج در توافق متهم می‌کند. دمشق، به نوبه خود، SDF را به نقض شرایط توافق متهم می‌کند. در عمل، تنش‌ها همچنان ادامه دارد: درگیری‌های پراکنده در مناطق تحت کنترل مشترک، بی‌اعتمادی مداوم را به جای همگرایی بر جسته کرده است. دومین چالش بزرگ ترکیه، فعالیت نظامی مداوم اسرائیل در سوریه است. فراتر از نگرانی آنکارا مبنی بر بی‌ثبات کردن این کشور توسط عملیات اسرائیل، مقامات ترکیه بیم آن دارند که تا زمانی که اسرائیل در خاک سوریه فعال باشد، کردهای سوریه فشار کمی برای رسیدن به مصالحه با دمشق احساس کنند. بنابراین، آنکارا به مذاکرات میانجیگری ایالات متحده بین اسرائیل و سوریه امید بسته است و انتظار توافقی را دارد که یا اسرائیل را به عقب‌نشینی وادار کند یا حداقل عملیات نظامی خود را در سوریه به طور قابل توجهی محدود کند. به نظر می‌رسد اسرائیل و سوریه بیش از هر زمان دیگری در سال‌ها به یک توافق محدود برای کاهش تنش نزدیک شده‌اند، اما شکاف‌های عمده‌ای همچنان وجود دارد. مذاکرات مستقیم امنیتی بر ایجاد یک منطقه حائل غیرنظامی در جنوب سوریه متمرکز شده است، شرطی که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر، می‌گوید می‌تواند یک توافق را «ممکن» کند. با این حال، دمشق هرگونه ترتیبات منطقه حائل را که حاکمیت سوریه را نقض کند، رد می‌کند و اصرار دارد که خروج کامل اسرائیل از خاک سوریه باید همراه با هر توافقی باشد. فشار ایالات متحده طرفین را به سمت یک چارچوب سوق داده است، اما مذاکرات به احتمال زیاد به جای یک پیشرفت سیاسی، به یک تفاهم امنیتی محدود منجر خواهد شد. در صورت انعقاد، چنین پیمانی می‌تواند برخی از عملیات‌های نظامی اسرائیل در سوریه را مهار کند، اما بی‌اعتمادی عمیق، خطوط قرمز متفاوت و عزم اسرائیل برای ادامه هدف قرار دادن تهدیدهای فرضی - به ویژه بازیگران مرتبط با ایران - به این معنی است که هرگونه توافقی شکننده، تاکتیکی و به دور از یک صلح پایدار خواهد بود. آنکارا می‌خواهد سال ۲۰۲۶ هر دو توافق را محقق کند و راه را برای اهداف کوتاه‌مدت خود هموار سازد؛ با این حال، راه پیش رو هموار به نظر نمی‌رسد.